جوان

روزنامه سیاسی، اجتماعی و فرهنگی صبح ایران
سه‌شنبه ۱۴ مهر ۱۴۰۵ - ۲۴ ربیع‌الثانی ۱۴۴۸
سال بیست‌وهشتم - شماره ۷۷۱۳ - ۱۲ صفحه
قیمت: ۱۰۰۰۰ تومان

هشدار سرلشکر: دکترین هسته‌ای را تغییر می‌دهیم

| صفحه ۲ |

تهدید اتمی دامن همه را می‌گیرد!

■ علی علوی

یکم فروردین ۹۱ رهبر شهید در مشهد هشدار داد «در همان سطحی که دشمن حمله کند، به آنها حمله خواهیم کرد». این تهدید با آنکه پیش‌درآمدی داشت که در آن گفته شد «ما سلاح اتمی نداریم و نخواهیم داشت»، ولی بازهم تحلیلگران جهان از آن تعبیر کردند که ایران یا بمب اتم دارد یا بعد از تهدید وجودی، خواهد ساخت و رو خواهد کرد! دیروز هم چند شایعه و سخن پراکنی اتمی این خبرها را داغ کرد. یک خبرنگار نزدیک به ترامپ نوشت: «این خبر را به خاطر بسپارید: پنتاگون در حال آماده‌سازی حمله هسته‌ای به ایران است». و نتانیاهو نیز گفت: «ایران آماده می‌شود که با بمب اتم به اسرائیل حمله کند» که این یعنی «پس ما باید زودتر بزنیم»! ولی دو خبر از سرلشکر عبداللهی رئیس ستاد مشترک ایران و سرلشکر رضایی دبیر شورای عالی امنیت ملی ایران محاسبات تحلیلگران را برهم زد: سرلشکر عبداللهی «دامن همه را» وارد آتش کرد و سرلشکر رضایی «غافلگیری بزرگ‌تر» و «جبهه‌های تازه‌تر» را. به‌هر حال منطقه باید بداند که هیچ‌کس کامل‌تر و بهتر از ایران به وعده‌های نظامی‌اش عمل نکرده است. تنگه هرمز و شکست امریکا در جنگ گواه است. حالا هم ایران وعده داده است که جنگ دامن کل منطقه را - با هر سلاحی که باشد - خواهد گرفت. و این غافلگیری ممکن است سهمگین‌تر از یک بمب تاکتیکی باشد که دشمن ما را با آن می‌ترساند. از اسرائیل تا شیوخ وابسته. این را خوب به خاطر بسپارید!

در تحلیل این شایعات می‌توان گفت شاید قصد، محک‌زدن میزان ترس و عقب‌نشینی ایران باشد. می‌توان مدعی شـــد که از دشمن خبیث همه‌چیز برمی‌آید. به‌ویژه این خبرها می‌تواند گواهی باشد بر آماده‌سازی افکار عمومی جهان برای یک حمله دیگر چه شبیه گذشته، چه افزون بر آن و چه آن‌گونه که برخی تحلیلگران زیاد می‌گویند حمله با بمب تاکتیکی به کوه کلنگ.

سرلشکر عبداللهی ولی شدیداللحن هشدار داد در صورت تکرار جنگ، دامنه آن محدود به ایران نخواهد ماند و «آتش آن دامن همه را فرا خواهد گرفت». این سخنان را هم می‌توان کنار سخن رهبر شهید در ۹۱ گذاشت و تعبیر کرد که هر تهدیدی را در همان سطح پاسخ می‌دهیم و این یعنی هیچ‌کس در امان نیست.

سرلشکر رضایی نیز نوشت: هر خطای محاســـباتی دشمن در برابر ایران، شکست سنگینی برایش رقم زده است. خطای بعدی جبهه‌های تازه و غافلگیری بزرگ‌تر در پی خواهد داشت. با رهبری حکیمانه، همراهی ملت تاریخ‌ساز و هماهنگی همه ارکان نظام، ایران مقتدرانه از این شرایط پیچیده عبور خواهد کرد.

همزمان با این خبرها یک دیپلمات سابق امریکا گفت: «ترامپ ممکن است به استفاده از یک سلاح هسته‌ای تاکتیکی روی بیاورد؛ موضوعی که واقعاً باید فوراً اضافه کنم که مؤثر نخواهد بود»!

در ادامه پروفسور پاول کریگ رابرتس، مقام سابق وزارت خزانه‌داری امریکا نیز گفت: «سلاح هسته‌ای ایران، تأسیسات هسته‌ای دیمونا در اسرائیل است. تمام کاری که آنها باید انجام دهند این است که با موشک‌های بالستیک خود به آن ضربه بزنند؛ کاری که از عهده‌اش برمی‌آیند. و آن‌وقت شما یک انفجار هسته‌ای در اسرائیل و تشعشعات رادیواکتیو در همه‌جا خواهید داشت. اسرائیل کشوری بسیار بسیار کوچک است. ایران بزرگ است. ایران به اندازه اروپای غربی وسعت دارد. اسرائیل کوچک است. برای نابود کردن یک کشور کوچک، چیز زیادی لازم نیست».

اکنون زمان تصمیم بزرگ منطقه و جهان اســـت: یا کنار ایران بمانید یا دامن شما را آتش خواهد گرفت.



لیبرال دموکراسی ۵ هزار دلار!

دونالد ترامپ بار دیگر در فاصله کمتر از یک ماه تا انتخابات کنگره وعده پرداخت ۵هزار دلار به شهروندان امریکایی را زنده کرد و این بار حتی درباره زمان پرداخت نیز با اطمینان از «امضای چک‌ها» حرف زد؛ وعده‌ای که منتقدان آن را نمونه‌ای آشکار از پوپولیسم انتخاباتی در کشوری می‌دانند که خود را قدرتمندترین دموکراسی جهان می‌داند | صفحه ۱۱

سرمقاله

غلامرضا صادقیان | سردبیر

دو سرمقاله در یک ستون!

وقتی ترامپ نخستین‌بار وعده‌ی چک ۵هزار دلاری به امریکائیان داد تا در انتخابات مجلسین به حزب او رأی بدهند، می‌خواستم سرمقاله را به این پرسش از اصلاح‌طلبان اختصاص دهم که «آیا نمی‌خواهید این نوع دموکراسی را نقد کنید؟!» قبل از آن وقتی تهدید وجودی و تمدنی کرد و بعد تهدید اتمی و «محو کامل»، باز می‌خواستم همین پرسش را در سرمقاله‌ای دیگر بپرسم. اکنون که هر دو در دسترس و «تیتر یک» و «تیتر عکس» روزنامه‌ی جوان است، و عرف است که سرمقاله را مرتبط با تیتر اصلی روزنامه می‌نویسند، از آن پرسش و هر دو سرمقاله گذشته‌ام! حقیقتاً بسا کسان از اصلاح‌طلبان آن نگاه سابق خود را به لیبرال‌دموکراسی امریکا ندارند، و جوانمردی نیست که «شوخ شیخ را به وی بنمایی»!

کسانی مانند من حق‌الناســـی گران بر گردن جریان روشنفکری و اصلاح‌طلبی دارند. ما سی‌واندی ســـال مقالات و کتاب‌های آنان را در تبیین و بزرگداشت و عظمت‌بخشی به لیبرال‌دموکراسی امریکا خواندیم. حقیقتاً روی کاغذ آدمی محو آزادی و حقوق فردی و حتی اجتماعی که حس بالاتری از سوسیالیســـم بـــه خواننده می‌دهد، می‌شـــود. ولی در عمل چه دیدیم و حالا چه می‌بینیم؟! حالا باید پاســـخ پرســـش‌های واقعی خود را بدانیم و گرنه این حق بر گردن اصلاح‌طلبی می‌ماند!

ترامپ در مهد لیبرال‌دموکراسی امریکائیان را با چک ۵هزار دلاری می‌خرد. در این سوی دنیا نیز به ایرانیان وعده دموکراسی و آزادی داد ولی بسیار کمتر خرج کرد! به هرحال پولی که می‌خواهد با آن در امریکا رأی بخرد، یک تریلیون دلار می‌شـــود ولی پول بمب‌ها و موشک‌هایی که روی ســـر ایرانیان ریخت تا آنان را آزاد کند، هنوز آن‌قدرها نشده است.

کار ترامـــپ کجـــا، کار احمدی‌نژاد کجـــا که گفتنـــد در همدان سیب‌زمینی توزیع کرده است و فتنه کردند، در حد براندازی. چند سال بعد از ۸۸ به یک استاد جوان دانشگاه که در جریان ۸۸ بازداشت و مدتی زندانی هم بود، گفتم می‌دانید که خاتمی رهبر جریان در جلسه‌ای با دوستان گفته اســـت «اگر من در ایران رئیس‌جمهور بوده‌ام، می‌دانـــم که تقلب آن‌هم در حد ده، یازده میلیون شـــدنی نیست، ولی تخلف شدنی است، مثلاً همین سیب‌زمینی». بلافاصله گفت: «... غلط کرد!» یعنی نمی‌پذیرفت که آنچه برای آن اعتراض کرده و زندان رفته، خدشه‌دار شود، حتی از طرف خود رئیس جریان! بعداً به یکی دیگر از ایشان که رو به دیوار جزمیت «حرف مرد یک کلام» ایستاده بود و سر برنمی‌گرداند، گفتم اوباما را چه می‌گویی و خاطراتش که می‌گوید پس از ۸۸ تصمیم گرفت تحریم‌ها را تشدید کند؟! اوباما برخلاف ترامپ جنتلمن بود و اهل دموکراسی و گفت‌وگو. ولی او هم وقتی فهمید ظرفیت شـــورش و براندازی در ایران وجود دارد، نوع حمایتش را از مردم و دموکراسی در ایران به تحریم غذا، دارو و درآمد ایرانیان تغییر داد!

حالا محمدرضا جلایی‌پور، فعال سیاســـی و رسانه‌ای اصلاح‌طلب که مواضع متفاوتـــی از جبهه‌ی اصلاحات می‌گیرد با اســـتناد به کتاب خاطرات اوباما، می‌گوید: «پس از انتخابات ۸۸ تحریم‌ها علیه ایران تشدید شد و من دوست داشـــتم رهبران ما، کل این جریان جوری سیاست‌ورزی کنند که به اینجا نینجامد، چون فکر می‌کنم تحریم‌هایی که از آن زمان تشدید شد، یک عامل خیلی مهم وضعیت کنونی و افزایش شکاف فقر و افزایش درصد فقرای ایرانی است».

به این می‌گویند بصیرت شکفته که تعمداً سرکوب نشده است. من در تشییع حاج‌قاسم درست در جایی که امکان خفگی از فشار جمعیت بود، پدر محمدرضا را که او نیز از فعالان اصلاح‌طلبی است دیدم و بعد نوشته‌ی خود او را در این باره خواندم. این نوع نگاه به نظام و اسطوره‌ها و واقعیت‌هایش و دشمنان واقعی‌اش، آسان به دست نیامد.

رهبر شهید سال ۸۴ گفت «گروهی که امروز در امریکا سر کارند، مثل آدم‌های مست تصمیم می‌گیرند؛ اصلاً نمی‌فهمند چه کار می‌کنند؛ این‌ها دارند امریکا را به نقطه اضمحلال و سقوط می‌کشانند. وجود این‌ها برای امریکا احتمالاً انتقام خدایی است». برخی به این حقیقت همان زمان اذعـــان کردند و برخی دیرتر. ولـــی با جرئت می‌گویم ارزشش را داشـــت و دارد و بزرگ‌ترین پیروزی ایران است حتی از پیروزی‌های نظامی بزرگ‌تر.

۱۲ سال مدرسه رفتن به یادگیری عمیق نمی‌رسد!

■ مهسا گربندی | خبرنگار گروه اجتماعی

گفت‌وگوی «جوان» با ابراهیم سحرخیز درباره زخم‌های کهنه آموزش بر بدنه نحیف مدرسه | صفحه ۶

یادداشت‌های امروز

۲ هشدار به دو سوی یک معادله از گزارش هسته‌ای تا آتش جنگ / علی‌حسن حیدری

۲ جنگ روایت‌ها، جابه‌جایی شاکی و متهم در خانه! حمیرا حسینی یگانه

۹ باز ما ماندیم و فوتبال فریدون حسن | دبیر گروه ورزشی

۱۰ وقتی مردم رنج می‌برند و عده‌ای گنج حسین فصیحی | دبیر گروه حوادث